

بررسی انواع شهرت و حجیت آن

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۱۷۶-۱۸۹

زهراسادات سیدصالحی^۱

^۱ کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، طلبه سطح سه مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه علمیه.

چکیده:

موضوع این تحقیق درواقع بررسی انواع شهرت و حجیت آن می باشد، متأسفانه در تمامی دانشگاهها و حوزه های علمیه مباحث اصولی مثل شهرت، فقط در قالب همان کتب قدیمی مورد بحث قرار می گیرد و به ندرت دانشجویان و طلاب به تحقیق و پژوهش و تحول در مباحث اصولی می پردازند پس نیاز به تحقیق در این زمینه و اینکه بتوان دید روشنی از مباحث مختلف اصولی جلوی راه دانشجویان و طلاب عزیز قرارداد به خوبی دیده می شود. با بررسی نظریات و کتب مختلف مثل المقنع والهدایه شیخ صدوق، مقنعه شیخ مفید، نهایه شیخ طوسی و غیره دیده می شود که نویسندگان در این کتب تمام اصول و مسائلی که از امام معصوم (ع) دارند با حذف سند آنها عین عبارات را در کتب خود می آورند و براساس آنها فتوا می دادند و از آن به اصول متلقات تعبیر می کردند و بیان می کنند زمانی که بحث از حجیت و عدم حجیت شهرت می شود، در شهرت فتوایی مصداق دارد و دیدگاه های گوناگونی نسبت به آن ارائه می دهد، بر همین اساس به این نتیجه می رسد شهرت فتوایی قدما در اصول حجت است و فلسفه اعتبار شهرت فتوایی قدما همین روایی بودن متن کتب آنها و نزدیک بودن عصر آنها به عصر ائمه است که نوع شهرت کاشف از رأی معصوم (ع) و دلیل معتبر است. این تحقیق به روش تحلیلی توصیفی و کتابخانه ای ارائه شده است.

کلید واژه ها: حجیت، شهرت فتوایی، شهرت قدما، شهرت متأخرین، اصول متلقات

مقدمه:

شهرت از دیرباز مورد توجه علما بوده و هست و در حجیت و عدم حجیت این نوع شهرت بین اصولیان اختلاف نظر وجود دارد که در طول تحقیق به بررسی آن پرداخته‌ایم. بحث ما در این مقاله بررسی حجیت شهرت بالأخص شهرت فتوایی است در یک چارچوب خاص می‌باشد و آن هم در چارچوب اصولی که از امامان معصوم (ع) گرفته شده‌اند. افرادی همانند آیت... بروجردی با پررنگ ساختن ابعاد مسئله و تلقی و تولید اندیشه اصول متلقات، پیرامون حجیت شهرت و اجماع دیدگاه شفاف و روشنگری را در عرصه فقه و فقهات ارائه داده‌اند و امام خمینی نیز سبک ایشان را دنبال می‌کنند که در این مقاله سعی شده به تمام این موارد دقت شود و آنها را مورد بررسی قرار دهد.

معنای لغوی و اصطلاحی شهرت

به شیوع نقل روایت و یا استناد به روایت یا فتوایی، انگشت نما شدن، شیاع و استفاضه شهرت گویند. (هاشمی شاهرودی، بی تا، ج ۴، ص ۷۵۹). شهرت در اصطلاح عبارت است از مشهور شدن یک امر دینی در میان همه یا گروهی از مسلمانان به گونه‌ای که به حد اجماع نرسد. (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹ ج ۱، ص ۳۵۵؛ منتظری، بی تا، ج ۸، ص ۴۲۴).

شهرت در لغت به معنای شایع و پخش شدن و ظاهر و اشکار شدن یک چیز می‌شود و در همین معنا به کار رفته است. شهرت در اصطلاح اهل حدیث به هر خبری اطلاق می‌شود که راویان آن زیاد باشند و بیشتر محدثان آنرا در کتابهای خود نقل کرده باشند اما به خبر متواتر نرسند فرقی نمی‌کند که کسی از فقها بر طبق آن فتوا داده باشد یا هیچ یک از فقها بدان اعتنا نکرده باشد، در چنین حالتی به این خبر حدیث مشهور گفته می‌شود، همان گونه که گاهی مستفیض هم گفته می‌شود این نوع شهرت در فقه به شهرت روائی معروف است و به همین ترتیب، شهرت در اصطلاح فقها را به فتوایی اطلاق می‌کنند که در یک مسأله فقهی توسط بسیاری از فقها صادر می‌گردد به شرط آنکه تعداد آن فقها به حد اجماع نرسیده باشد، بنابراین شهرت در اصطلاح فقها شامل هر فتوایی می‌شود که مورد موافقت عده زیادی است و در مقابل قول نادر قرار دارد و به این قول که بیشتر فقها بر طبق آن فتوا داده اند مشهور گفته می‌شود. به شیوع نقل روایت و یا استناد حکم به روایت یا فتوایی گفته می‌شود شهرت سه گونه است: شهرت روائی، شهرت عملی و شهرت فتوایی (فرح زاده فسائی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۲۸۹)، که در ادامه بدان می‌پردازیم.

انواع شهرت

جمعی از فقها و اصولیون شهرت را به عنوان یکی از منابع استنباط شمرده‌اند. باید دانست که شهرت بر سه گونه است:

شهرت روائی: این شهرت، اصطلاحی در نزد اهل حدیث است. خبری که راویان زیادی داشته باشد و به حدّ تواتر نرسد، خبر مشهور (مستفیض) می‌گویند و این شهرت روائی از مرجّحات، در هنگام تعارض دو خبر قرار داده شده است. (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۷) یعنی اگر دو روایت از نظر مدلول با یکدیگر معارض باشند و یکی از آن دو دارای شهرت روائی باشد و راویان بیشتری آن را نقل کرده باشند بر روایت دیگر ترجیح می‌یابد. دلیل ترجیح آن است که نفس شهرت باعث وثوق و اطمینان می‌شود. علاوه بر این در روایاتی، از جمله مقبوله عمر بن حنظله به آن تصریح شده است در این حدیث وی از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند که اگر دو نفر از راویان که هر دو مورد وثوق و اطمینانند در حدیث شما اختلاف کردند، چه باید کرد؟ امام علیه السلام پس از آن که برخی از مرجّحات تقدیم یک حدیث بر دیگری را بر می‌شمرد، می‌فرماید: «ینظر الی ما کان من روایتهم عنّا فی ذلک الذی حکما به المجمع علیه من اصحابک فیؤخذ به من حکمنا و یتروک الشاذّ الذی لیس بمشهور عند اصحابک؛ از آن دو روایت هر کدام که مشهورتر بین اصحاب است مقدم داشته و دیگری رها می‌شود» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۰).

به طور کلی می‌توان گفت: یعنی نقل روایت توسط راویان متعدد و بسیار که تعدادشان به حد تواتر نرسیده است. به چنین روایتی حدیث مشهور گویند و در مقابل آن، حدیث شاذ قرار دارد. (فرح زاده فسائی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۲۸۸؛ حوت، ۱۴۲۶، ص ۱۷؛ خوئی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۱؛ خوئی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۷؛ نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۸۸؛ هاشمی شاهرودی، بی تا، ج ۴، ص ۷۵۹). مشهور فقها این نوع از شهرت را از جمله مرجّحات باب تعارض می‌دانند (نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۸۸).

شهرت روائی را برخی از کتب اهل سنت نیز مطرح کرده‌اند. آنان خبر را به سه قسم (متواتر، مشهور، واحد) تقسیم نموده و حدیث مشهور یعنی حدیثی که متداول در راویان و محدثان است بر خبر غیر مشهور (واحد) مقدم داشته‌اند، زیرا این خبر اطمینان‌آور است. ولی نوعی دیگر از شهرت را آنان از مرجّحات قرار داده‌اند که از قبیل شهرت راوی است نه شهرت روائی، آنان گفته‌اند اگر راوی یک حدیث نسبت به راوی حدیث دیگر از شهرت برخوردار باشد آن حدیث مقدم می‌شود. این شهرت را چند گونه دانسته‌اند یکی اینکه از کبار صحابه

باشد زیرا منصب عالی، او را از کذب و دروغ بازمی‌دارد و دوم: صاحب یک اسم رجحان دارد بر صاحب دو اسم، سوم: راوی معروف النسب بر راوی مجهول النسب مقدم است. چهارم: اسامی راویانی که مشتبه به نام افراد ضعیف نمی‌شود ترجیح دارد بر راویانی که نامشان اشتباه می‌شود و همچنین راویانی که مشهور به حفظ و ضبط هستند یا از ثقات و عدول نقل می‌کنند، مقدمند (درگاهی، ۱۳۹۳، ص ۹۱).

شهرت عملی: یعنی مشهور فقها در عمل و در مقام حکم دادن، به خبر و روایتی استناد کرده باشند که این شهرت ضعف سند روایت خواهد بود. (درگاهی، ۱۳۹۳، ص ۹۱) روایتی که در میان فقها عمل و استناد به آن مشهور است (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۷) از این شهرت در دو مورد استفاده شده است: یکی در مرجحات باب تعارض؛ در آنجا گفته‌اند اگر معتقد باشیم که هرچه اقریب به واقع می‌آورد، مرجح است پس شهرت عملی مرجح خواهد بود منتها در صورتی که عمل بر طبق روایت از قدما و پیشینیان فقه باشد (مظفر، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۲) و دیگر در جبران ضعف سند روایت.

هرگاه روایتی بر طبق موازین، ضعیف باشد ولی بسیاری از فقها بر طبق آن فتوا داده باشند عمل و فتوای آنان ضعف سند روایت را جبران و آن را قابل اعتماد می‌کند، همانگونه که اگر خبری صحیح و معتبر باشد ولی فقها آن را کنار بگذارند و از آن اعراض کنند آن روایت از درجه اعتبار ساقط می‌شود ولی برخی مانند صاحب مدارک، جبر و وهن سند به شهرت و اعراض را قبول ندارند. (خوئی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۳) مشهور بودن عمل به روایتی نزد فقها و استناد آنان به آن در مقام فتوا را نیز شهرت عملی گویند. برخی مطابقت فتوای مشهور با مفاد روایتی را از اقسام شهرت عملی برشمرده‌اند؛ هر چند به حسب ظاهر مستند به آن روایت نباشد. (فرح زاده فسائی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۲۸۹). این نوع شهرت جبران کننده ضعف سند روایت است (نماینده‌گی ولی فقیه، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۸۸).

شهرت فتوایی: عبارت است از شهرتی که مستندش معلوم نباشد (ضمیری، ۱۳۸۷، ص ۴۵۷؛ مظفر، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۲) یا مشهور بودن رأی و نظری نزد فقها بدون آنکه مستند به روایتی باشد؛ خواه در آن زمینه روایتی نباشد یا باشد، لیکن مخالف فتوای مشهور باشد و یا موافق باشد، اما مشهور به آن استناد نکرده باشند و یا استناد بدان برای ما محرز نباشد زیرا در فرض علم به اینکه مستند آنان روایت است، شهرت، عملی خواهد بود نه فتوایی. (فرح زاده فسائی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۲۸۹؛ خوئی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۱؛ خوئی، بی تا، ج ۱، ص ۴۷؛ نماینده‌گی ولی فقیه، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۸۸)

شهرت فتوایی وقتی است که فتوایی بین فقها شیوع و رواج پیدا کند ولی به حد اجماع نرسد و آن فتوی، مستند به دلیل مشخصی نیز باشد این قسم از شهرت در مباحث حجیت امارات مورد بحث است. (منتظری، بی تا، ج ۸، ص ۴۲۴) شایع بودن یک فتوا اگر به سرحد اجماع نرسد در مقابل آن فتوای شاذ قرار دارد. برخی از اصولیون امامیه عقیده دارند که شهرت فتوایی از امارات معتبره است. آنان می‌گویند هر چند فتوای یک فقیه حجت بر حکم برای فقیه دیگر نمی‌شود ولی همین فتوا وقتی به حد شهرت رسید و فتوادهندگان زیاد شدند می‌تواند برای فقیه دیگر دلیل بر حکم باشد و او نیز حکم را استنباط کند این نظریه را شهید اول در «ذکری» پذیرفته است (شهید اول، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۲).

ولی گروهی دیگر معتقدند که شهرت فتوایی معتبر نیست و به عنوان منبع استنباط نمی‌توان بر آن تکیه کرد، آنان که شهرت فتوایی را حجت می‌دانند ادله‌ای ذکر کرده‌اند. به این معنا که فتوایی مشهور باشد؛ بی آنکه مستند آن فتوا مشخص باشد؛ یا به دلیل نبود روایتی در مقام، یا آنکه روایت برخلاف آن فتوا یا بر طبق آن وجود دارد، اما مشخص نیست که فتوا مستند به آن روایت بوده است یا (خوئی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۴۱؛ خوئی، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۷).

یکی از ادله آنان این است که اگر خبر واحد حجت باشد باید به طریق اولی شهرت حجت باشد زیرا ظن حاصل از شهرت به مراتب قوی‌تر از ظن حاصل از خبر واحد است. (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۷) دیگر این که در روایت زراره و عمر بن حنظله آمده است که به آن چه مشهور است ملتزم باش و شاذ نادر را رها کن و همچنین به جمله‌ای که در ذیل آیه نبأ وارد شده تمسک کرده‌اند زیرا خداوند می‌فرماید: "أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلِيمًا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ".

از این ادله جواب‌هایی داده شده است که به کتب مشروح اصولی می‌توان مراجعه کرد. برخی نیز تفصیل داده‌اند و میان شهرت قدما و متأخرین فرق گذاشته‌اند، آنان گفته‌اند: آرای فقهی در طول تاریخ شیعه امامیه دارای مراحل بوده است. در ابتدا، مردم روایات و احادیث را از ائمه اطهار علیهم السلام می‌گرفتند و به آنها عمل می‌کردند و در مرحله بعد احادیث را در کتاب‌ها و جزواتی جمع‌آوری کردند و در همین مرحله بود که اصول اربعمائه (۴۰۰ اصل و کتاب) پدیدار شد. در مرحله سوم علمای دین آن کتاب‌ها و جزوات را تنظیم و تبویب کردند. در مرحله چهارم که مرحله فتواست با حذف سند و پس از تخصیص و تقیید و جمع و ترجیح بر طبق متن احادیث فتوا داده می‌شد. چنانچه صدوق در من لا یحضره الفقیه چنین کرده است. در آخرین مرحله (مرحله پنجم) عصر تطبیق و تفریع فرا رسید و استنباط فروع و مسائل جدید آغاز گشت. بنابراین تا قبل از مرحله پنجم شهرت فتوایی، موجب وثوق و اطمینان به احادیث ائمه معصومین علیهم

السلام می‌شود و لکن پس از مرحله پنجم فتاوی فقها جنبه حدس و استنباط را پیدا نموده که برای فقهای بعدی حجیت ندارد. مسأله شهرت فتوایی به صورت دیگری در کتب برخی از اهل سنت مطرح شده است. آنان در بحث به اجماع به این نکته پرداخته‌اند که آیا اجماع، به رأی اکثریت، تحقق پیدا می‌کند یا خیر؟ جمهور اهل سنت گفته‌اند اجماع به قول اکثریت و مشهور تحقق پیدا نمی‌کند ولی أبو الحسین خیاط (از معتزله) و ابن جریر طبری و أبو بکر رازی گفته‌اند: مخالفت یکی دو نفر به اجماع آسیب نمی‌رساند و نیز ابن حاجب گفته است: مخالف در یک مسأله اگر شاذ هم باشد اجماع را از قطعیت می‌اندازد ولی در عین حال چنین اکثریت اجماعی حجّت است غزالی می‌گوید: عصمت و حجیت برای امت ثابت شده ولی اگر قوی به مرحله شهرت رسید (نه اجماع امت را) حجّت نیست، زیرا به مجرد ثبوت اختلاف، قرآن می‌فرماید: «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ»؛ اگر در چیزی اختلاف نمودید، تصمیم درباره آن را به خداوند واگذار کنید که در نتیجه آن را از حجیت اسقاط نموده است. (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۶-۱۷۸).

از اقسام سه‌گانه شهرت، تنها شهرت فتوایی می‌تواند یک دلیل مستقل قلمداد شود. از طرفی، به احتمال قوی، فتوای مشهور فقها مستند به روایت محمد بن مسلم است؛ از این رو این شهرت نمی‌تواند دلیلی بر تقدیم این نظریه باشد و برای ارزیابی آن، باید همان روایت، بررسی و ارزیابی شود که تفصیل آن گذشت. (درگاهی، ۱۳۹۳، ص ۹۱).

فقها فتوایی را که فتوا دهندگان زیادی داشته باشد ولی به سر حد اجماع نرسد فتوای مشهور می‌نامند و از آن به عنوان شهرت فتوایی یاد می‌کنند و نیز روایتی که در میان اصحاب، مورد عمل و اعتماد بیشتر فقها قرار گیرد، بر آن شهرت عملی اطلاق می‌کنند (جناتی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۱۵).

شهرت از دیدگاه محقق اردبیلی

عنصر شهرت در اندیشه اصولی و فقهی محقق اردبیلی جایگاهی بس ارزنده دارد، ولی گاه موضع‌گیری‌های متفاوتی از او در مورد شهرت به چشم می‌خورد که در آغاز تصور، تناقض‌گویی به ذهن راه می‌یابد، ولی در نهایت، با تتبع و دقت فراوان می‌توان از دیدگاه اردبیلی به جمع‌بندی و تحلیل کلی در مورد شهرت دست یافت. از کلمات محقق اردبیلی استفاده می‌شود که او شهرت روایی را مرجح دانسته و آن را معتبر می‌داند. برای مثال می‌گوید: مضافاً که آن روایات با روایات مشهورتر و فراوان‌تر و فتوای مشهور فقیهان، معارضند (ضمیری، ۱۳۸۷، ص ۴۵۷). اما بیش‌ترین ابهام‌ها در کلام محقق اردبیلی در مورد شهرت عملی و فتوایی است. برای نمونه گاهی در مورد شهرت عملی می‌گوید: در این مورد، روایت ضعیفی است که ضعف آن با شهرت، جبران می‌شود» و فیه روایه ضعیفه یجبر ضعفها بالشهره» و در جای دیگر می‌نویسد: جبران ضعف سند، به شهرت قابل استماع نیست. برخی از نویسندگان راه حل مشکل را چنین عنوان کرده‌اند: از کلمات ایشان، شاید بتوان به یک جمع‌بندی میانه رسید و آن این‌که در موارد ضعف سند، قول یا عمل مشهور در برابر آن وجود دارد که هماهنگ با اصول و قواعد کلی فقه و برابر با مذاق شریعت و آهنگ کلی دین است. پذیرفتن جبران ضعف سند به وسیله شهرت امکان دارد، لکن در غیر این موارد پذیرفتن آن دشوار است. از قراین و شواهد کلام محقق اردبیلی دو احتمال استفاده می‌شود: اول آنکه از نظر او شهرتی جبران‌کننده ضعف سند است که شهرت عظیمه باشد، نه هر شهرتی؛ یعنی شهرتی که در قرن‌های متمادی پابرجا مانده و مخالف جدی نداشته است (ضمیری، ۱۳۸۷، ص ۴۵۷).

اعتبار انواع شهرت

اعتبار شهرت روایی:

شهرت روایی هرگاه روایتی میان راویان نزدیک به زمان معصوم انتشار یابد و افرادی آن را نقل کنند ولی به حد تواتر نرسد آن را مشهور گویند شهرت یکی از مرجحات شمرده شده است.

(ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۱ ص ۳۵۵؛ منتظری، بی تا، ج ۸، ص ۴۲۵؛ درگاهی، ۱۳۹۳، ص ۹۰). در بحث تعارض دو خبر، شهرت روایی را یکی از مرجحات دانسته‌اند، یعنی هرگاه دو روایت از حیث مدلول با یکدیگر معارض باشند و یکی از آن دو دارای شهرت روایی باشد و راویان بیشتری آن را نقل کرده باشند، بر روایت دیگر ترجیح می‌یابد و می‌توان بر طبق آن حکم کرد. این که شهرت روایی می‌تواند مرجح قرار گیرد، در روایات زیادی به آن تصریح شده است، علاوه بر این که نفس شهرت باعث وثوق و اطمینان می‌شود.

اعتبار شهرت فتوایی:

در زمینه اعتبار شهرت فتوایی آرای مختلفی وجود دارد: برخی از علمای اصولی عقیده دارند که شهرت فتوایی از امارات معتبره است و می‌شود در استنباط احکام حوادث واقعه و موضوعات مستحدثه به آن اعتماد کرد، این نظریه را شهید اول در کتاب «ذکری الشیعه

فی احکام الشریعة» پذیرفته است. گروهی دیگر معتقدند که شهرت فتوایی دارای اعتبار نیست و به عنوان منبع استنباط نمی‌توان بر آن اعتماد کرد. زیرا نهایت چیزی که از شهرت فتوایی افاده می‌کنند، ظن و گمان است و قرآن می‌فرماید: *وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا* لازم به تذکر است که بیشتر اندیشمندان اصولی این نظریه را پذیرفته‌اند. (جناتی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۷).

اعتبار شهرت عملی:

در زمینه شهرت عملی و اعتبار آن نیز دو نظریه وجود دارد: برخی معتقدند که شهرت عملی می‌تواند ضعف سند روایت را جبران نماید، یعنی هر گاه روایتی بر طبق موازین علم درایه و حدیث ضعیف باشد، ولی بیشتر فقها بر طبق آن فتوا صادر کرده باشند، عمل و فتوای آنان می‌تواند ضعف سندی روایت را جبران کرده و روایت را قابل اعتماد سازد.

همان گونه که هر گاه خبری صحیح و معتبر باشد ولی مورد اعراض اصحاب قرار گیرد، آن روایت از درجه اعتبار ساقط شده و نمی‌توان به صرف صحت و وثاقت سند بر اساس آن فتوا داد. این نظریه مورد پذیرش بیشتر فقهای شیعه قرار گرفته است. گروه دیگری معتقدند که شهرت عملی نمی‌تواند ضعف سند را جبران نماید، همان گونه که اعراض اصحاب نمی‌تواند حدیث صحیح یا موثق را از درجه اعتبار ساقط نماید. این عقیده را برخی از فقهای شیعه مانند صاحب مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام پذیرفته‌اند.

بعضی گفته‌اند که در زمینه اعتبار خبر به وسیله شهرت عملی و عدم اعتبار آن از راه اعراض اصحاب، سند و دلیلی در دست نیست، مگر این که شهرت فتوایی مطابق خبر مایه وثوق و اطمینان شود که آن روایت از معصوم صادر شده است، و یا اعراض اصحاب از روایتی موجب اطمینان شود که آن روایت از معصوم صادر نشده است، که در این صورت امر دایر مدار حصول اطمینان و وثوق است و اعتبار از همین امر نشأت می‌گیرد، نه از صرف شهرت فتوایی یا اعراض اصحاب.

در هر حال شهرتی که در این بحث مورد نظر است، شهرت فتوایی است، زیرا شهرت روایی عملی از نوع خبر واحد به شمار می‌آید و جای طرح آن در مباحث حجیت خبر واحد است. و اما شهرت فتوایی غیر از آن دو شهرت است، و در شهرت فتوایی چه بسا روایتی موجود نباشد و از صرف شهرت فتوایی بخواهیم سنت را استفاده کنیم، که در این صورت شهرت فتوایی قسیم خبر است، نه قسم آن. و باید گفت که اگر اجماع به طور مطلق دارای حجیت و اعتبار نباشد، شهرت فتوایی که در درجه پایین‌تری از آن قرار دارد، حجیت و اعتبار نخواهد داشت، ولی با این وصف ادله‌ای برای اعتبار آن آورده‌اند (جناتی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۷).

ارزیابی ادله حجیت شهرت فتوایی و ادله اعتبار شهرت

الف: ارزیابی ادله حجیت شهرت فتوایی

دلیل نخست: از آنجا که ظن حاصل از شهرت فتوایی غالباً بیش از ظن حاصل از خبر واحد عادل است، دلیل حجیت خبر واحد با مفهوم موافقت (دلالت اولوی) بر حجیت شهرت، دلالت دارد.

آن ادله حجیه خبر الواحد تدل علی حجیه الشهرة بمفهوم الموافقة، نظراً إلى ان الظن الحاصل من الشهرة أقوى غالباً من الظن الحاصل من خبر الواحد حتی العادل. فالشهره أولى بالحجیه من خبر العادل.

ارزیابی: این مفهوم در صورتی منعقد می‌گردد که یقین داشته باشیم ملاک حجیت خبر واحد، افاده ظن است. در حالی که حتی اگر نمی‌دانستیم که ظن فعلی در حجیت خبر لازم نمی‌باشد، چنین یقینی نداشتیم، چه رسد به آنکه می‌دانیم ظن فعلی در حجیت خبر واحد معتبر نمی‌باشد.

دلیل دوم: عموم تعلیل در آیه نبأ (أن تصیبوا قوماً بجهالة) بیانگر آن است که هر جا از برخورد جاهلانه با قومی در امان باشیم، بررسی و تحقیق لازم نبوده، امر مورد نظر حجت می‌باشد، و شهرت این گونه است.

ارزیابی: اولاً: این جمله تعلیل نیست، بلکه مفعول «فتبیتوا» است. ثانیاً: استدلال بالا تمسک به عموم نقیض تعلیل است، نه خود تعلیل، در حالی که آیه دلالتی بر نقیض تعلیل ندارد. مضمون آیه آن است که «عمل به خبر فاسق بدون بررسی حرام است، چون مستلزم برخورد جاهلانه است» و دلالتی بر آن ندارد که «هرگاه عمل به چیزی مستلزم برخورد جاهلانه نبود، بررسی لازم نبوده آن چیز حجت می‌باشد.» چرا که ممکن است در آنجا اساساً مقتضی برای حجیت وجود نداشته باشد، که در این صورت فقدان مانع حجیت (عدم برخورد جاهلانه) سودی نخواهد بخشید (شیروانی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۷).

ان هذا ليس تمسكا بعموم التعليل بل هذا الاستدلال تمسك بعموم نقيض التعليل. و لا دلالة في الآية على نقيض التعليل بالضرورة، فان حرمة العمل بنبي الفاسق بدون تبين لأنه يستلزم الإصابة بجهالة لا تدل على وجوب الأخذ بكل ما يؤمن فيه ذلك و ما لا يستلزم الإصابة بجهالة.

دلیل سوم: در مرفوعه زراة امام عليه السلام در برخورد با دو روایت متعارض می‌فرماید: "خذ بما اشتهر بين اصحابك؛ به روایتی عمل کن که میان یارانت شهرت دارد." این روایت از دو جهت حجیت شهرت فتوایی را افاده می‌کند:

۱. عبارت «ما اشتهر» عمومیت داشته شهرت فتوایی را نیز شامل می‌شود.
۲. بفرض که مقصود از «ما اشتهر» خصوص خبر مشهور باشد، منوط ساختن حکم به شهرت بیانگر آن است که شهرت از آن جهت که شهرت است، معتبر می‌باشد.

ارزیابی:

اولاً: با توجه به سؤالی که این روایت پاسخ به آن است، مقصود از «ما اشتهر» خصوص خبر مشهور است. ثانياً: ظاهر جمله آن است که حکم در آن بر شهرت در خصوص خبر معلق شده، نه بر مطلق شهرت. از این رو، شامل شهرت فتوایی نمی‌شود. سیره فقها بر آن است که حتی الامکان با رأی مشهور مخالفت نرزد به ویژه اگر مطابق با احتیاط نیز باشد. این سیره در رشته‌های علمی دیگر نیز جاری است و منشأ آن اهمیت دادن به آرای بزرگان است.

من المعروف عن المحققين من علمائنا انهم لا يجرون على مخالفة المشهور الا مع دليل قوي و مستند جلي يصرفهم عن المشهور. بل ما زالوا يحرصون على موافقة المشهور و تحصيل دليل يوافقه و لو كان الدال على غيره أولى بالأخذ و أقوى في نفسه، و ما ذلك من جهة التقليد (شیروانی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۸)

للاكثر و لا من جهة قولهم بحجية الشهرة. و انما منشأ ذلك اكبار المشهور من آراء العلماء لا سيما إذا كانوا من أهل التحقيق و النظر. (شیروانی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۹)

ب: ادله اعتبار شهرت

گفتیم که منظور از شهرت در این باب شهرت فتوایی است که برای اثبات اعتبار آن به ادله‌ای تمسک شده است از جمله:

۱- تعلیل در آیه: «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ». وجوب تبیین (بررسی و تحقیق) در آیه مبتنی شده است بر موردی که اگر تبیین صورت نگیرد برخورد جاهلانه صورت می‌پذیرد. بنا بر این هر جا برخورد جاهلانه در کار نباشد وجوب تبیین هم از میان خواهد رفت، و چون اعتماد بر شهرت فتوایی از جهالت و سفاهت به حساب نمی‌آید، پس تبیین در مورد آن لازم نیست و بدون تبیین می‌توان به آن (جنائی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۷)، عمل کرد، و این همان معنای اعتبار و حجیت است. این دلیل قابل اشکال است، زیرا حکم اگر چه وجودا و عدما دایر مدار علت است، ولی در جایی است که دارای علت منحصر باشد و در آیه مذکور معلوم نیست که علت حکم، علت منحصر باشد. و صرف این که از مفهوم شرط استفاده شود وجوب تبیین دایر مدار خبر فاسق است، معنایش این نیست که پس علت تامه وجوب تبیین خبر فاسق است و هر جا خبر فاسق نباشد وجوب تبیین نیست.

۲- مرفوعه زراة: "قلت جعلت فداك يأتي عنكما الخبران و الحديثان المتعارضان فبأيهما نعمل؟ قال خذ بما اشتهر بين اصحابك ودع الشاذ النادر". تقریب استدلال چنین است که اگر چه در مورد روایت دو خبر و حدیث متعارض است، ولی جواب دارای اطلاق است و لفظ «ما» مبهم و غیر معلوم است و صلة آن «اشتهر» معرف آن است که هم شامل اشتهار روایی می‌شود و هم شامل اشتهار فتوایی.

این دلیل نیز قابل خدشه است، زیرا احتمال دارد که مراد از «اشتهار» معنای لغوی آن باشد، یعنی «واضح و روشن». بنا بر این معنای روایت چنین می‌شود «خذ بما وضع بين اصحابك» که معنای شهرت در این فرض اختصاص پیدا می‌کند به آن چه صدور آن از معصوم معلوم باشد، نه آن چه صدور آن از معصوم مظنون یا مشکوک باشد. گذشته از این هر پاسخی باید مسانخ و مناسب با سؤال باشد و قدر مسلم این است که منظور از شهرت، شهرت روایی باشد، زیرا مورد سؤال دو خبر متعارض است، پس نمی‌شود از این طریق اعتبار شهرت فتوایی را ثابت نمود.

۳- قیاس: کسانی که قیاس را معتبر می‌دانند برای اثبات حجیت شهرت به قیاس تمسک بسته و گفته‌اند که ملاک حجیت خبر واحد، ظن‌آور بودن آن است و چون همین علت در شهرت فتوایی وجود دارد، حجیت و اعتبار نیز که معلول است وجود نخواهد داشت. و این وجه نیز مخدوش است، زیرا در هیچ کدام از ادله حجیت خبر واحد این تعلیل دیده نشده است که خبر واحد به دلیل ظن‌آور بودن، حجت باشد، بلکه علمای اصولی گفته‌اند که هر گاه خبر واحدی دارای شرایط حجیت باشد معتبر است، اگر چه ظن‌آور نباشد. (جناتی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۸)

انواع فتوا دهندگان:

الف: فتوا دهندگان محدث:

این گروه بدون به کار بستن معیارهای فقهی با مراجعه به روایات اهل بیت: فتوا می‌دادند از جمله این محدثین: علی بن الحسین ابن بابویه، شیخ صدوق، یونس ابن عبدالرحمان

ب: فتوا دهندگان مجتهد:

این دسته از فقیهان سعی داشتن که معیارها و مبانی فقها را به کار گیرند تا بر اساس آنها، اصول و احکامی را که از کتاب و سنت استنباط کنند از جمله فقیهان: ابن جنید بغدادی مشهور به اسکافی، الناصر جدمادری سید مرتضی علم الهدی^۳، حسن بن علی ابن عقیل عمانی.

این گروه بیشتر به فتوای شاذ و نادر دست می‌زدند که مخالف نظر مشهور فقها بودند و به خاطر پویایی روند فقه شیعه، فتوایی که از این دوره باقیمانده است با قواعد و معیارهای فقهی حاوی در حوزه‌های علمیه سازگار نیست، لذا این گونه فتواها مهجور مانده‌اند، لکن اجتهاد آنها با قواعدی که برای استخراج احکام از آیات و روایات به کار می‌بستند به نحو جداگانه تدوین نمی‌یافت.

شهرت قدمایی یا شهرت متأخرین؟

گروهی و از جمله خوانساری بر این باورند که شهرت متأخرین نیز اعتبار دارد و در مسأله‌ای به مناسبت سخن از روایتی که مشهور پسینیان به آن عمل کرده‌اند، می‌نویسد: والظاهر انه لامجال للخذشه مع الشهره عند المتأخرین. آنچه ظاهر است این که: با وجود شهرت متأخران، مجالی برای خدشه کردن در روایت نیست. (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۹)

شماری بر این باورند که تنها شهرت پیشینیان اعتبار دارد. شیخ انصاری از این دسته است. میرزای نائینی نیز، از این جمله است، او می‌نویسد: "الطبقة الاولى هي العبرة في كون عملهم جايه وكاسره. (نائینی، ج ۱، ص ۶۲) تنها فتوای طبقه نخست جبران کننده ضعف سند و شکننده اعتبار روایت است." ایشان همین نظر را در کتابهای دیگر نیز ابراز کرده است (خویی، ج ۲، ص ۱۵۹).

می‌خواهیم ببینیم شهرت شکل گرفته از اصول امامان معصوم (ع) از چه نوع شهرتی می‌باشد. اگر ما در تقسیم بندی شهرت را از زاویه دیگری نگاه کنیم از دید فقه‌های شیعه در تاریخ فقه و فقها شهرت به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱- شهرت قبل از زمان شیخ طوسی ۲- شهرت بعد از زمان شیخ طوسی شهرت به معنای اول را به اصطلاح (شهرت بین قدما) نامگذاری کرده‌اند که تقریباً همه فقها آن را پذیرفته‌اند و آن را هماهنگ با اجماع به حساب می‌آورند و عقیده دارند: همان معیار و ملاکی که در اجماع وجود دارد در این گونه شهرت ها هم وجود دارد.

اما شهرتی که پس از شیخ طوسی پیدا شده است آن است که شیخ طوسی بر اساس فتوا و اجتهاد خود بیان کرده و شاگردان او هم آن را پذیرفته‌اند و برای آیندگان نقل کرده‌اند که کم کم به عنوان شهرت معروف شده است. این گونه شهرت را بسیاری از فقه‌های متأخر رد کرده‌اند و آن را تقلید از شیخ شمرده‌اند، صاحب معالم در همین زمینه می‌فرماید: بأن الشهره التي تحصل معها قوة الظن هي الحاصلة قبل زمن الشيخ ۲، لا الواقعه بعده و اکثر ما يوجد مشتهراً في كلام الاصحاب حدث بعد زمن الشيخ ۲، و هو أكثر الفقهاء الذين نشأوا بعد الشيخ كانوا يتبعونه في الفتوى تقليداً له لكثرة اعتقادهم فيه و حسن ظنهم به، فلما جاء المتأخرون وجدوا احكاماً مشهوره قد عمل بها الشيخ و متابعوه، فحسبوها شهره بين العلماء و ما دروا أن مرجعها الى الشيخ و أن الشهره إنما حصلت بمتابعته (ابن شهید ثانی، ۱۴۱۴، ص ۴۵۳). شهرتی که مفید گمان قوی است و شایستگی جبران ضعف روایت را دارد، شهرت قبل از زمان شیخ طوسی است. اما شهرتی که بعد از زمان شیخ طوسی تحقق یافته، اعتبار و اعتمادی به این شهرت نیست! (ابن شهید ثانی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۷-۱۷۶).

آیت اله بروجردی با استناد به مقبوله عمر بن حنظله که امام ۷ می‌فرماید "خذ بما اشتهر بين اصحابك فان مجمع عليه لاريب فيه" می‌فرماید: شهرت فتوایی بین اصحاب ائمه صد در صد معتبر است؛ حتی بر روایتی که صحیح و مخالف شهرت باشد؛ زیرا اگر حکمی بین اصحاب ائمه مشهور بوده و ایشان از ثقات بوده‌اند، کشف قطعی می‌نماید که نظر معصوم ۷ همین بوده است لذا در زمان شیخ

صدوق و طوسی که کتابهای اربعه‌أ در دستشان بوده و طبعاً به عصر ائمه هم نزدیک تر بوده اند، حکمی را که مشهور بوده، چه در زمان خودشان و چه در زمان متقدم به آن عمل می کردند. مثلاً مشهور عصیر عنبی که بین اصحاب مشهور نبوده، لامحاله شهرتی که در زمان شیخ بوده یا شنیده، در عصر ائمه اطهار: اباحه بوده است و در ۵ و ۶ اصل این اباحه دیده شده و موجب شده تا شیخ فتوا به اباحه ده (میر دامادی، ۱۳۹۶، ص ۵۷؛ شیروانی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۸). آیت الله بروجردی این تقسیم بندی را با اصطلاحی که خود به وجود آورده مورد بررسی قرار داده و پذیرفته است ایشان بر این باورند که آنچه از مجامع روایی در بین ما وجود دارد، همه آن چیزی نیست که از معصومین به ما رسیده است بلکه جوامع روایی دیگری نیز وجود داشته که قدما و فقیهان گذشته، آن ها را از پیشوایان دین گرفته‌اند که آنها را (اصول متلقات) گویند این اصول مشهور و حجت هستند.

ایشان مسائل فقهیه را به سه دسته تقسیم می کنند:

۱- مسائلی که از آنها به مسائل فقهیه اصلیه تعبیر شده است و همان اصولی هستند که بعضی از روایات خود ائمه فرموده‌اند. آنما عَلَيْنَا أَنْ نُلْقِيَ الْأَصُولَ وَ عَلَيْنَاكَ التَّفْرِيعُ: یعنی قواعد کلی و اصلی را بر شما القا می کنیم و شما این اصول را بگیری و فروع مختلف و احکام این فروع با خودتان باشد.

شهرت به معنای اول را به اصلاح (شهرت بین قدما) نامگذاری کرده‌اند که تقریباً همه فقها آن را پذیرفته‌اند و آن را هماهنگ با اجماع به حساب می آورند و عقیده دارند: همان معیار و ملاکی که در اجماع وجود دارد در این گونه شهرت هم وجود دارد. اما شهرتی که پس از شیخ طوسی پیدا شده است آن است که شیخ طوسی بر اساس فتوا و اجتهاد و خود بیان کرده و شاگردان او هم آن را پذیرفته‌اند و برای آیندگان نقل کرده‌اند که کم به عنوان شهرت معروف شده است. این گونه شهرت را بسیاری از فقهایی متأخر رده کرده‌اند و آن را تقلید از شیخ شمرده‌اند.

صاحب معالم در همین زمینه می فرماید: بَأَنَّ الشَّهْرَةَ الَّتِي تَحْصُلُ مَعَهَا قُوَّةُ الظَّنِّ هِيَ الْحَاصِلَةُ قَبْلَ زَمَنِ الشَّيْخِ (ره) لَا الْوَاقِعَةُ بَعْدَ وَ أَكْثَرُ مَا يَوْجَدُ مُشْتَهَرًا مِنَ الْكَلَامِ الْأَصْحَابِ حَدَّثَ بَعْدَ زَمَنِ الشَّيْخِ (ره) وَ هُوَ أَنَّ أَكْثَرَ الْفُقَهَاءِ الَّذِينَ مَنْشَأُ وَاقِعَهُ الشَّيْخُ كَانُوا تَبِيعُونَهُ فِي الْفَتَوَى تَقْلِيدًا لَهُ كَثَرَهُ اعْتِقَادُهُمْ فِيهِ وَ حَسَنَ ظَهْنِهِمْ بِهِ (ابن شهید ثانی، ۱۴۱۴، ص ۴۵۳). شهرتی که مفید گمان قوی است و شایستگی جبران ضعف روایت را دارد، شهرت قبل از زمان شیخ طوسی است. اما شهرتی که بعد از زمان شیخ طوسی تحقق یافته، اعتبار و اعتمادی به این شهرت نیست و اکثر فقها به تبعیت از شیخ آنها را بیان کرده‌اند به خاطر اعتقاد زیادی که به شیخ داشته‌اند.

گروهی از جمله خوانساری براین باورند که شهرت متأخرین نیز اعتبار دارد وی در مسأله ای به مناسبت سخن از روایتی که مشهور و پیشینیان به آن عمل کرده‌اند می نویسد و الظاهرُ أَنَّهُ لَا مَجَالَ لِلْخَدَشَةِ مَعَ الشَّهْرَةِ مِنْدَ الْمُتَأَخِّرِينَ (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۹). آنچه ظاهر است این که: با وجود شهرت متأخرین مجالی برای خدشه کردن در روایت نیست. شماری بر این باورند که تنها شهرت پیشینیان اعتبار دارد. شیخ انصاری از این دسته است.

میرزای نایینی از این جمله است و می نویسد: «الطَّبَقَةُ الْوَلَوِي هِيَ الْعَبْرَةُ فِي كَوْنِ عَمَلِهِمْ جَابِرَةً وَ كَاسِرَةً (نایینی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۶۲). تنها فتوی طبقه نخست جبران کننده سند و شکننده اعتبار روایت است.

ایشان همین نظر را در کتابهای دیگر ابراز کرده است. (نایینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۹).

آیت ا... بروجردی این تقسیم بندی را با اصطلاحی که خود به وجود آورده مورد بررسی قرار داده و پذیرفته است و ایشان بر این باورند که آنچه از مجامع روایی در بین ما وجود دارد. همه آن چیزی نیست که از معصومین به ما رسیده است بلکه جوامع روایی دیگری نیز وجود داشته که قدما و فقیهان گذشته، آنها را از پیشوایان دین گرفته‌اند که آنها را (اصول متلقات) گویند این اصول مشهور و حجت هستند ایشان مسائل فقهیه را به سه دسته تقسیم می کنند.

۱- مسائلی که از آنها به مسائل فقهیه اصلیه تعبیر شده است و همان اصولی هستند که در بعضی از روایات خود ائمه فرموده‌اند: آنما عَلَيْنَا أَنْ نُلْقِيَ الْأَصُولَ وَ عَلَيْنَاكَ التَّفْرِيعُ: یعنی قواعد کلی و اصلی را بر شما القا می کنیم و شما این اصول را بگیری و فروع مختلف و احکام این فروع با خودتان باشد.

۲- مسائل فقهیه، مجتهد برای استنباط حکمی این فروع از مسائل اصلی اصول متلقات از امام معصوم استفاده خواهد کرد.

۳- مسائل عقلیه که در رفته در بعضی از احکام مبنایش مسائل عقلیه است مثل ملازمه عقلیه که بین وجوب منی المقدمه و وجوب مقدمه وجود دارد.

أَنَّ مَسَائِلَ الْفَتْهِ عَلَى الْقِسْمَيْنِ: فَبَعْضُهَا أَصُولُ الْمُتَعَلِّقَاتِ عَنْهُمْ ۷ وَ قَدْ ذَكَرَهَا الْقَدَمَاءُ فِي كِتَابِهِمْ الْمَعْدَّةَ لِنَقْلِهَا وَ يَكُونُ اطِّبَاقُهَا فِي تِلْكَ الْمَسَائِلِ بَلِ الْاِشْتِهَارِ فِيهَا حُجَّةُ الشَّرْعِيَّةِ لَا اسْتِكْشَافُ قَوْلِ الْمُعْصُومِ ۷ وَ بَعْضُهَا تَفْرِيعَاتٌ تَسْتَنْبِطُ مِنْ تِلْكَ الْوُصُولِ بِأَعْمَالِ الْجِتْهَادِ وَ لَا يَكُونُ الْاِجْمَاعُ فِيهَا فَضْلًا عَنْ الشَّهْرَةِ مَغْنِيًا عَنْ الْحَقِّ شَيْئًا وَ لَا يَخْفَى أَنَّ الْاِجْتِهَادَ اسْتِقْصَاءَ طَرِيقِ الْكَشْفِ عَنِ الْقَوْلِ الْمُعْصُومِ وَ اسْتِنْتِاجَ الْأَحْكَامِ مِنْ آثَارِهِمْ وَ اسْتِنْبَاطَ الْفُرُوعِ مِنَ الْأَصُولِ الْمَأْثُورَةِ عَنْهُمْ (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۴۲). همانا مسائل فقه بر دو قسم هستند پس

بعضی از آنها اصول متعلقات از معصومین: هستند و ذکر کرده‌اند آنها را قدما در کتابهای خود و تطبیق دادن این اصول با مسائل، حتی مشهور شدن آنها، حجت شرعی است به خاطر اینکه کاشف از قول معصوم می‌باشند.

بعضی از مسائل تفریعاتی هستند که استنباط می‌شوند از این اصول با انجام اجتهاد و اجماع در این تفریعات برتری بر شهرت ندارد و مخفی نیست بر ما که همانا اجتهاد باید طلب کردن از قول معصوم باشد و استخراج کردن احکام از آثار معصومین: باشد و استنباط کردن فروع باید از اصول گرفته شده از خود معصومین: باشند.

از این سه دسته مسایل فقهیه که در بالا ذکر شد شهرت حتی اجماع در اصول و مسائل اصلیه ای که از امام معصوم گرفته شده در کتب قدما جمع آوری شده است کاشف از گفتار معصومین (ع) می‌باشند ولی از دو قسم دیگر مسائل فرعی و عقلی، شهرت و اجماع فقها حجت نیست چون کاشف از دلیل معتبر نمی‌باشد.

حضرت امام خمینی و مرحوم بروجردی در نوشته‌های اصولی خویش این بحث را این طور بیان می‌کنند. «هو کون الحكم المفتی به مشهوراً بین أرباب الفتوى و لا یكون اتفاقاً و هذه الشهرة تارةً: تكون من السلف إلى الخلف و یكون المخالف شاذاً قديماً و حديثاً وأخرى: تكون المسألة مشهورة بین القدماء إلى عصر ابن ادریس مثلاً، ثم بعد ذلك اشتهر خلافاً بین المتوسطين إلى العصور المتأخرة و هذه المقصودة بالبحث هنا، فهل هذا الشهرة مطلقاً حجة ام مطلقاً لیست الحجة ام الشهرة بین القدماء حجة دون المتأخرين وجوه و احتمالات. ان الشهرة الفتوائية العلمیه فتوجب الوثوق بأن القدماء. مع کثرتهم، لا یمكن للالتزام بخطئهم فی السند بعد بنائهم على العمل بالأسانید المعتبرة مع اختلاف مشاربهم فیه اذا كانوا عاملین بسندیحصل الوثوق به عند العقلاء فیکون جابراً، من غیر ان تكون حجة إذا كانت فتوائیه فللملازمة ممنوعه من الطرفين(خمینی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۶۱). شهرت در فتوا دو گونه است: شهرت قبل از زمان شیخ طوسی و شهرت بعد از آن؛ شهرتی که بین متأخرین است. در تفریع فروع فقهی پیدا شده و حجیت نیست و دلیلی که اقامه شده عبارتست از فحواى حجیت بودن ادله‌ی خبر واحد - تقیح مناط - تعلیل آیه نبأ- دلالت مقبوله و یا تعلیل آن بر حجت بودن شهرت - که هیچ کدام پذیرفته نیست- اما شهرتی که در بین قدماست سعی شده در آن در حفظ مطالب دینی بکوشند و آنچه از سخنان معصومین گرفته شده بدون دگرگونی در کتاب خود می‌نوشتند - این گونه شهرت ها هم حجت شرعی هستند. و هم نشانگر وجود دلیل معتبر که به دست آنها رسیده است حتی مانند اجماع هستند و همان معیارهای که در اجماع وجود دارد در آن هم وجود دارد بلکه می‌توان گفت اجماع چیزی جز آن نیست لذا شهرت متأخرین: مانند اجماع آنها حجت نیست و نمی‌توان به تنهایی، فتوایی را بر اساس آن استوار ساخت، بنابراین می‌توان گفت: شهرتی که از اصول برگرفته از امامان معصوم می‌باشد عین همان الفاظ را بر اساس تعهد و تقییدی که داشتند در کتاب اصولیان قدما نوشته شده است و آنرا در بعضی موارد به عنوان فتوای خود قلمداد می‌کردند و این چیزی جدای از اصول گرفته شده از معصومین نبود. اما سایر شهرت ها را شهرت قدما هماهنگی ندارند و شهرت متأخرین محسوب می‌شوند و قابل اعتماد نیستند. لازم به ذکر است که محقق اردبیلی شهرت قدما را بر متأخرین مقدم می‌دارد و برای شهرت متأخرین ارزشی قائل نیست.

عدم حجیت شهرت متأخرین:

علت اینکه قریب به اتفاق علما، شهرت متأخرین را حجت نمی‌دانند چیست؟ با توجه به تقسیم بندی که آیت ا... بروجردی در مسائل فقهیه دارند چون شهرت متأخرین از اجتهاد و استنباط فقیهان برگرفته است و جزء مسائل تفریعی و اجتهادی محسوب می‌شوند، حجت نیست شهرت قدما همان اصول و قواعدی بودند که از معصومین گرفته می‌شد و هیچ گونه دگرگونی و اجتهادی در آن صورت نمی‌گرفت اما شهرت بین متأخرین مسائلی هستند که از راه استنباط و اجتهاد بین آنها شهرت یافته است روی همین اصل اندیشمندان بزرگی مثل مرحوم بروجردی و امام خمینی ۴ و شاگردان آنها شهرت پس از شیخ طوسی یا متأخرین را حجت نمی‌دانند زیرا این واقعیت انکار ناپذیر است که در تاریخ فقه شیعه، پس از زمان شیخ طوسی تا مدت ها، مدار فهم و اجتهاد دقت در مبانی شیخ طوسی بوده تا آنجا که گفته شده در میان علمای شیعه صاحب فتوای محقق نبود بلکه همه آنها حکایت گر فتوای شیخ طوسی بودند. لذا در علم اصول فقه بین علما معروف است که شهرت متأخرین هیچ اساسی و پایه علمی ندارد چون نتیجه تقلید از مبانی و تفریعات فقهای شیخ طوسی و اعمال اجتهادی وی شکل گرفته است.

از جمله کسانی که چنین اعتقادی به شهرت متأخرین دارند و تصریح به تقلید نموده‌اند، شهید ثانی و صاحب معالم و ابن ادریس حلی هستند.

صاحب معالم در بحث اشکال بر شهید اول که می‌فرماید (ابن شهید ثانی، ۱۴۱۴، ص ۱۷۷): ان صاحب المعالم ۲ اعترض علی الشَّهید ۲ بمثل ما سبق و بان الشهرة التي معها قوة الظن هي حاصله قبل زمن الشيخ ۲ لا الواقعة بعده قال و اكثر ما يوجد مشتهراً في كلام الاصحاب حدث بعد ز من الشيخ كمانبه عليه و الذي في كتاب الرعايه الذي ألفه في درايه الحديث مبيناً لوجهه و هو أن أكثر الفقهاء الذين نشأوا بعد الزمن الشيخ كانوا يتبعونه في الفتوى تقليداً له لكثرة اعتقادهم فيه و حسن ظنهم به فلما جاء المتأخرون و جدوا أحلاماً مشهورة

قد عمل بها الشيخ و متا بعوفحسبها شهره بين العلماء مادروا أن مرجعها إلى الشيخ رحمه الله... و ان الشهرة إنما حصلت بمتابعته ثم نقل من والده رحمه الله... تأييداً لما ذكره من كلام بعض اصحابنا و أنت خبير بان هذا الكلام هي غاية البعد. - فان توجيه كلام والده لا يمكن بمثل، فقلناه عن الشهيد رحمه الله... فيما لو يعرف خلاف للجماعة و لم يظهر مستندهم في الحكم فان ذلك في المقام الذي لم يظهر مستند الحكم و لا بأس حينئذ بمتابعتهم لحصول الظن بل قولهم كان عن دليل الشرعي: شهرتي که به همراه آن قوت ظن حاصل می شود، شهرت قدما یا شهرت قبل از شیخ طوسی است نه بعد از آن و بیشتر مشهوراتی که در مکتب متأخرین دیده می شود مربوط به پس از زمان شیخ طوسی است و شهید ثانی هم همین عقیده را در کتاب الرعایه بیان داشته که آنها به علت اعتقادشان به مبانی شیخ در فتاوهای خود از او تقلید می کردند و آن احکام را شهرت بین اصحاب می پنداشتند در حالی که غافل بودند که بر اساس آن شهرت از خود شیخ بوده است و نخستین کسی که لقب (مقلد) را به پیروان شیخ طوسی نسبت داد ابن ادریس حلی بود که کتاب (السرائر) را در رده نقد مبانی شیخ طوسی تألیف نموده است و دگرگونی هایی در فقه شیعه به وجود آورده است.

شاگردان شیخ مقلد نبودند در ابتدای او کسی که واژه (مقلد) را توجه کند، فکر می کند که شاگردان شیخ مقلد محض بودند و فارغ از هر گونه اعمال اجتهاد و تحقیق در مبانی، نسبت به نظر استادی متعبد بودند لکن این سخن و طرز تفکر درست نیست بلکه منظور این است که موارد اجتهاد و استدلال های بعد از شیخ طوسی، تا مدت های زیادی در دایره افکار و آرای او بوده و تلاش برای نقد و بررسی آن افکار یافتن فکری و اجتهادی نو کم تر انجام می گرفته است. همچنان که صاحب قوانین اطلاق لقب مقلد بر آنان را نادرست خوانده و آن را گناهی بزرگ شمرده است. (قمی، ۱۲۷۸، ص ۳۷۷)

ملاک حجیت شهرت فتوایی:

اندیشمندان از آغاز تا کنون اتفاق نظر دارند که ملاک اعتبار اجماع کشف از رأی معصوم می باشد و بیشتر اندیشمندان قدیم ملاک و معیارهایی همچون لطف (جنتی، بی تا، ص ۱۵۹). (طریقه لطف این است که آفرینش بر اساس عنایت و لطف و فضل پروردگار استوار است و خداوند انسان را آفرید تا از فضل و رحمت او برخوردار شود در راستای همین لطف نعمتهای مادی و معنوی را در اختیار او قرار داد کتاب را نازل کرد و پیامبران را به سوی او فرستاد تا انسان هر چه بیشتر به کمال نائل شود) و تقریر بودن امام معصوم (ع) در میان اجماع کنندگان را کاشف از رأی معصوم می دانند.

در طریقه لطف از راه عقل قول امام را کشف می کنیم یعنی هرگاه فقها در زمان وجود امام بر حکمی اتفاق نظر پیدا کنند امام آنها را رد نکند سکوت او به منزله تقریر و تأیید نظر فقهاست (جنتی، بی تا، ص ۱۵۹).

متأخرین هیچ یک از امور فوق را مناط کشف از رأی معصوم می دانند و بیشتر حدس را عامل کشف می دانند مثلاً در مفاتیح الاصول آمده و هذا المسلك الجماعه المتأخرين طریقه الحدس الصائب و الزمن الثاقب و هو القوى المتين. (طباطبائی، ۱۲۹۶، ص ۴۱).

حضرت آیت الله بروجردی مانند همه علمای شیعه ملاک حجیت اجماع را که شفیت از رأی معصوم می دانند و می فرمایند الحق فیما عند الامام و الأقوال الآخر كلها باطله و لا یجب علیه ظهور (بروجردی طباطبائی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۲۴). و ملاک و معیارهای کشف در حجیت اجماع متقدین را نمی پذیرند و عقیده دارند که بر پایه حدس و تراکم ظنون، شهرت یا اجماع می تواند کاشف باشد. می فرمایند: و ذهب جماعه إلى ان حجیه الاجتماع من باب الحدس حيث ان العلماء مع کثره اختلافاتهم و اختلاف ما بینهم و مشاربهم إذا فرض اتفاقهم على المسأله من المسائل فلا محاله یحصل لذلك الحدس القطعی أو الاطمئنانی بتلفیهم ذلک عن یکون قوله حجه عند الجمیع.

الأظهر مع ذلک: القول بحجته الشهرة الفتوائیه بنفسها فی مسائل الاصلیه لمبنیته علی نقلها بالفاظها و کشف الشهرة عن تلقیها عن الائمة: (بروجردی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۴۹).

لذا مرحوم بروجردی کاشفیت را منحصر در اجماع نمی دانند برای شهرت قدما هم اعتبار قائل هستند و نیز کاشفیت از رأی معصوم را تأیید می نمایند. بنابراین نظر ایشان که کاشف از رأی معصوم (ع) باشد در انحصار شهرتی است که در اصول متلقات شکل گرفته است و خصوصیتی که در این نوع شهرت وجود دارد آن است که اینگونه شهرتها از فتاوهای فقهای قدیم و پیشین اخذ شده است و این فتواها حکایت گر رأی معصوم (ع) می باشند که رو در روی مسائل اجتماعی قرار گرفته اند و فتوایی که در محدوده اصول متلقات به وجود آمده اند همان متون روایات معصوم (ع) هستند که آنها را قدما، فتوای خویش قلمداد کرده اند.

امام خمینی (ره) می فرماید: لأن المرسوم المتعارف لدى قدمای اصحابنا هو نقل الروایه فی مقام فتوی و کانت متون الروایات فتواهم لنقل الروایه و شهرتها کانت مساومه للشهره الفتوائیه كما یتضح انک بالرجوع إلى الروایات خصوصاً باب وجوب الرجوع فی انقضاء الفتوی إلى رواه الحديث من کتاب قضاء الوسائل إلى کتاب قدما الاصحابنا کالصدوقین و من فی طبقهما أو یقرب منها.

نقل روایات در مقام فتوا توسط قدما رسم بوده است و متون روایات امامان معصوم (ع) فتوای آنها را تشکیل می‌داده است. خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۷۱). بنای قدما این بوده که اصولی را که هر نسلی از نسل قبل از خود دریافت کرده است فکر کنند نه اینکه به فروع‌های اجتهادی بپردازند. (خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۶۴).

فلسفه حجیت شهرت قدمايي:

طبق بیان آیت ا... بروجردی متون فقهی را به دو دوره کاملاً مجزا و مستقل تقسیم می‌کند دوره ای از تاریخ فقه که فتوای فقه، شکل استنباطی نداشت و بیشتر به تنظیم و تبویب. متون حدیثی بر اساس نیازهای فقها می‌پرداختند و متون روایی را فتوای خویش قرار می‌دادند این دوره بسیار حائز اهمیت است و متون کتب قدما بر اساس اعتقاد وی اعتبار حدیثی دارد و دوره دوم عصر تفریع و استنباط می‌نامند در این دوران اجتهاد دو برداشت فقیهان از روایات و ابزار اجتهاد خود محتوای کتب فقهی را تشکیل می‌دهد. مرحوم بروجردی برای این قبیل کتابها ارزشی بیش از دستاوردهای اجتهادی هر کدام از مؤلفان کتب قائل نبودند و آنچه در نظر وی نقش برجسته و جدی در فقه و حدیث داشت دسته اول از آثار فقهی قدما است.

در واقع محتوای کتب فقهی اولیه، نقل گرفتار امامان معصوم (ع) بدون دخل و تصرف بود و مرحوم بروجردی به همین علت، شهرت فتوایی را که برگزیده مسأله در جوامع فقهی اولیه باشد، کاشف از وجود نص و رای معصوم (ع) می‌داند و آن را حجت می‌شمردند و اگر در جوامع فقهی اولیه نباشد کاشف از وجود نص نمی‌دانند. (لنکرانی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۹۸۳).

به علت حدیثی بودن متون کتب فتوایی قدما، کتب فقهی قدما را بر کتب حدیثی متأخرین مقدم می‌دارند. علاوه بر اینکه گفته شد متون کتب قدما اعتبار حدیثی دارد از نظر زمانی هم عصر قدما به عصر ائمه نزدیک است و شهرت فتوایی در میان آنها می‌تواند نشان دهنده شهرت فتوایی در میان اصحاب ائمه باشد و شهرت یک حکم در بین اصحاب بیانگر صحت فتوا و مطابقت آن با رأی معصوم است زیرا شهرت مزبور در منظر امام بوده و هیچ گونه ردعی از طرف وی صورت نگرفته است.

بر اساس نظر مرحوم بروجردی مثلاً از لحاظ طبقات رجای، مرحوم کلینی و ابن عقیل از طبقه نهم و شیخ صدوق و ابن جنید از طبقه دهم و شیخ مفید از طبقه یازدهم و شیخ طوسی دوازدهم محسوب می‌شود و اصحاب امام حسن عسگری (ع) در طبقه هفتم واقع شده‌اند بر همین اساس تنها دو یا سه طبقه با کلینی و شیخ صدوق فاصله دارند و در نتیجه شهرت فتوایی در میان فقهای هم عصر این دو بزرگوار می‌تواند به تلقی حکم از اصحاب آن حضرت مستند باشد.

فرزند شهید ثانی بر پدر اشکال می‌کند که این اعتراض شما بر شیخ وارد نیست؛ چرا که شیخ ظن اقوی یافته و بر اساس اصول متقن عمل کرده است و شهرت قدمایی قابل اغماض نیست، البته شهرت قدمایی نزد فقهای ما مانند محقق خوئی اعتباری ندارد. (میر دامادی، ۱۳۹۶، ص ۵۷).

مثال‌های فقهی شهرت فتوایی:

و قد حکى سيد مشايخنا المحقق البروجردى فى درسه الشريف أن فى الفقه الامامى اربعمائه مسأله تلقاها الاصحاب قديماً و حديثاً بالقبول و ليس لها دليل إلا الشهرة الفتوائية بين القدماء بحيث لو حذفنا الشهرة عن عداد الأدلة ألا حجيت تلك المسائل فتاوى فارغه مجردة عن الدليل. (سبحاني، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۸). شهرت در فقه شيعه از جایگاهی خاصی برخوردار است که بنا به نقل شیخ جعفر سبحانی از مرحوم بروجردی حدود چهارصد وجود دارد که تمامی اصحاب آنها را قبول دارند اما هیچ دلیلی بجز شهرت فتوایی برای آنها وجود ندارد. به نقلی دیگر حدود ۹۰ مسئله فقهی مورد قبول اصحاب اعم از قدما و متأخرین در فقه امامیه وجود دارد که تنها مستند آنها شهرت فتوایی به گونه ای که اگر شهرت را از شمار ادله شرعی حذف کنیم این گونه مسائل بدون دلیل خواهند ماند. برای نمونه چند مثال فقهی که مستند آنها فقط شهرت فتوایی است در اینجا متذکر می‌شویم و مجالی برای بیان تمام مسائل وجود ندارد.

۱- شهید اول در لمعه می‌نویسد: وتكره الصلاة فى باب المخزحين أو وجه الانسان بناء للمشهور بنابر قول مشهور نماز خواندن رو به روی یک انسان یا روبروی درب باز مکروه است و نصی در این مورد وجود ندارد. (مکی عاملی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷).

۲- شهید ثانی می‌فرماید: مصنف موجودات دارای خون جهنده را جزء نجاسات نیاورده است و حال آنکه مشهور آن را نجس می‌دانند و مصرف آن را در کتاب ذکرای خود به مشهور نسبت داده است و اعتراف می‌کنند که نصی در مورد آن وجود ندارد. (مکی عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۱۶).

۳- در مفتاح الکرامه آمده: فى ضرباته دینا که اسواک و المضمته و الستشاق و ... (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۷۱). سه بار مضمضه کردن و استنشاق نمودن در وضو مستحب است بنابر تصریح اصحاب در غنیه و شرح مفاتیح بر آن ادعای اجماع شده است و در مدارک

آمده است که این فتوا مشهور می‌باشد که بین متأخرین استحباب آن با سه کف مشهور است و اگر آب کم باشد یک کف دست کافی است اما دلیل شاهی بر این حکم نیست. (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۷۱).

۴- محقق اردبیلی معتقد است که رفتن ذوی الارحام در قبر حجت قرار دادن یکی از اقوام خود مکروه است و دلیل بر کراهت نسبت به همه ذوی الارحام روشن نیست ولی این فتوا مشهور است. (فی الدفن و الواجب فيه الکفایه شیئان دفنه فی حفیره و ... و کونه اجنبیاً هذا قاله الاصحاب کما فی ذکری و فی المختلف لیس نزع الخف بواجب اجمالاً و هو المشهور الشهره کادت تكون اجمالاً کما فی المجمع البرهان). (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۳۹).

۵- در الروضه آمده است: الدم الذی (راه المراه بعد) اکمالها (تسع) سنین هلالیه و (قبل) إکمال (ستین) سنه و الحکم فیها مشهور و مستنده غیر معلوم و اعترف المصنف بعدم وقوفه فیها علی نص و الأصل تقتضی کونها کغیرها (شهید ثانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۷۱). حیض خونی است که زن نبطی قریشی پس از نه سالگی و قبل از شصت سالگی می‌بینند و این حکم مشهور است ولی مستندش معلوم نیست و مصنف نیز بر عدم وقوف بر نص در این باره اعتراف نموده است و اصل آن است که زن قریشی مانند سایر زنان باشد.

۶- شیخ انصاری در مکاسب می‌نویسد - بیشتر فقها بر این عقیده هستند که هنگام دیدن عیب در کالایی که قبلاً دیده نشده است فوری باشد بلکه ظاهر تذکره این است که بین مسلمانان جز احمد بن حنبل در این باره خلافتی نیست ولی دلیل معتبری بر این فوریت نیافتیم. (شهید ثانی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۱۵).

نتیجه:

به طور کلی در کتب فقهای پیشین (قدما) اصول و مسائل خاصی را مشاهده می‌کنیم که فقهای قدیم بر آن اتفاق نظر دارند، کتابهایی مثل مقنع و هدایه شیخ صدوق، مقنعه شیخ مفید، مراسم سلار، مهذب ابن براج، کافی ابن الصلاح و نهایه شیخ طوسی شامل اصول و مسائلی هستند که از امام معصوم (ع) داشتند و با حذف سند آنها عین عبارات را در کتب خود می‌آورند و بر اساس آنها فتوا می‌دادند و آن را فتوای خود قلمداد می‌کردند که از این اصول برگرفته از امام معصوم به اصول متعلقات یافته منصوص تعبیر می‌شود. بر همین اساس شهرت فتوای قدما در این اصول حجت است فلسفه اعتبار شهرت فتوایی قدما همین روایی بودن متن کتب آنها و نزدیک بودن عصر آنها به عصر ائمه است که نوع شهرت کاشف از رأی معصوم (ع) و دلیل معتبر است. اما براساس اصول مسلم اجتهاد فقیه باید بر اساس مبانی صحیح اجتهادی فتوا دهد و فقها هنگام بازنگری ادله فقهی برداشتهای فقهی متفاوتی را ممکن است از گذشتگان داشته باشد لذا شهرت ها و اجتماعات شکل گرفته بر اساس اجتهاد آنها چه قبل از زمان شیخ طوسی و چه بعد از آن حجیت نیستند و در هر حال فقها جرأت مخالفت با مشهور ندارند مگر اینکه دلیل قوی و مستندی آشکار در اختیارشان باشد که آنها را از متابعت مشهور باز می‌دارد.

فهرست منابع:

۱. جمال الدین، شیخ حسن ابن شهید ثانی (۱۳۷۴)، معالم الدین و ملاذ المجتهدین (چاپ نهم)، بی جا: انتشارات اسلامی
۲. جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۰)، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی تهران: ناشر کیهان
۳. حوت، محمد بن درویش (۱۴۲۶)، اسنی المطالب فی احادیث مختلفه المراتب، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع
۴. حوزة نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت (۱۳۹۴)، حج در آیه فقه، تهران: مشعر
۵. خمینی، روح اله (۱۳۸۵)، الرسائل، بی جا: انتشارات اسماعیلیان
۶. خمینی، روح اله (۱۴۱۱)، کتاب البیع (چاپ اول)، بی جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۷. خمینی، روح اله (بی تا)، انوار الهدایه فی تعلیقات علی الکفایه (چاپ اول)، بی جا: ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۸. خمینی، مصمصطفی (۱۴۱۸)، تحریرات فی الاصول (چاپ اول)، بی جا: مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی (ره)
۹. خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع (چاپ دوم)، قم: مؤسسه اسماعیلیان
۱۰. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷)، مصباح الاصول، قم: مکتبه الداوری
۱۱. درگاهی، مهدی (۱۳۹۳)، مقام ابراهیم و جایگاه آن، تهران: مشعر
۱۲. سبحانی، جعفر (۱۴۲۰)، الموجز فی اصول الفقه (چاپ دوم)، قم: مؤسسه امام صادق (ع)
۱۳. شهید اول ابن مکی، محمد (۱۳۷۷)، ذکر الشیعه فی احکام الشریعه، قم: موسسه ال البيت علیهم السلام لاحیاء التراث
۱۴. شهید اول مکی عاملی، محمد (بی تا)، المعه الدمشقیه، بیروت: ناشر دارالعالم الاسلامی
۱۵. شهید ثانی (۱۳۸۶)، الروضه البهیمه فی شرح اللعه الدمشقیه (چاپ اول)، نجف: ناشر منشورات
۱۶. ضمیری، محمدرضا (۱۳۸۷)، دانشنامه اصولیان شیعه، قم: بوستان
۱۷. طباطبایی بروجردی، حسین (۱۴۱۶)، البدر الزاهر فی الصلاه الجمعه و المسافر (چاپ سوم)، بی جا: ناشر مکتبه منتظری
۱۸. طباطبایی بروجردی، حسین (۱۴۲۰)، تقریرات، بی جا: ناشر دفتر تبلیغات اسلامی
۱۹. طباطبایی بروجردی، حسین (۱۴۱۵)، نهایه الاصول (چاپ اول)، بی جا: ناشر نشر تفکر
۲۰. عاملی، محمد جواد (۱۴۱۹)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد علامه، قم: چاپ عدل
۲۱. فاضل لنکرانی، محمد جواد (بی تا)، دروس خارج فقه (مکاتب محرمه - جلسه دوم) بی نا، بی جا، بی تا
۲۲. فرح زاده فسائی، مجید، (۱۳۹۵)، شرح اصول فقه، قم: دارالتفسیر
۲۳. قمی، میرزا ابوالقاسم (بی تا)، قوانین الاصول (چاپ دوم)، بی جا: ناشر کتاب فروشی علمیه الاسلامی
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۷)، الکافی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث
۲۵. مجاهد طباطبائی (۱۲۹۶)، مفاتیح الاصول (چاپ اول)، قم: مؤسسه آل البيت
۲۶. مظفر، محمدرضا (بی تا)، اصول الفقه، قم: اسماعیلیان
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، انوار الاصول، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، دائرة المعارف فقه مقارن، ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب
۲۹. ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹)، فرهنگ اصطلاحات اصول، قم: عالمه
۳۰. منتظری، حسینعلی (بی تا)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، حسینعلی منتظری، قم: کیهان
۳۱. میر دامادی، مجتبی (۱۳۹۶)، علم رجال ودرايه، تهران: میراث فرهیختگان
۳۲. نائینی، میرزا محمد حسین غروی (۱۴۱۰)، اجود التقریرات (چاپ دوم)، بی جا: ناشر کتاب فروشی
۳۳. نائینی، میرزا محمد حسین غروی (۱۴۱۵)، کتاب الصلاه (چاپ اول)، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه
۳۴. هاشمی شاهرودی، محمود (بی تا)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام